حميد و مُشرِفِ الفُندُق

حميد ومدير داخلی هتل

عادل اشکبوس

حميد: السلام عليكم.

حميد: سلام بر شما.

مُشرِفُ الفندق: و عليكم السلام و رحمة الله.

مدير داخلی هتل: سلام و رحمت خدا بر شما.

حميد: رأيتُ مِن التلفزيون بِأنّ الأوضاعَ الأمنيّة مُتَدَهورة.

حميد: در تلويزيون ديدم كه اوضاع امنيتی آشفته است.

مُشرِفُ الفندق: نعم. قليلاً.

مدير داخلی هتل: بله. كمی.

حميد: أينَ المَطعَم؟

حميد: رستوران كدام سمت است؟

مُشرِفُ الفندق: رُحْ عَلَى طول عَلَى اليَمين.

مدير داخلی هتل: مستقيم برو سمت راست .

حميد: مَتَى توَزِّعونَ الطّعام؟

حميد: غذا در چه ساعت‌هايی سرو می‌شود؟

مُشرِفُ الفندق: فی الساعة السابعة .

مدير داخلی هتل: در ساعت هفت .

حميد: أيُمكِن أنْ تُرسِلوا الطعام إلى غُرفةِ أبی؟

حميد: می‌شود غذا را به اتاق پدرم بفرستيد بيمار است؟

مُشرِفُ الفندق: لا بَأسَ . عَلَى عَينی .

مدير داخلی هتل: اشكالی ندارد . به روی چشم .

حميد: عَفواً. مُكَيِّفُ الهواء فی غُرفة رقم ٢٠٤ (مائَتين و أربَعة) عاطِب عَن العَمَل و كذلك سَريرُ غرفة رقم ٣٠٥ (ثلاثمائة و خمسة) مَكسور.

حميد: ببخشيد كولر اتاق ٢٠٤ خراب است.

هم‌چنين، تخت اتاق ٣٠٥ شكسته است.

مُشرِفُ الفندق: على عينی يا حبيبی.

مدير داخلی هتل: به روی چشم ای عزيز من.

حميد: شكراً جزيلاً.

حميد: بسيار متشكرم.

مُشرِفُ الفندق: لا شُكرَ على واجب.

مدير داخلی هتل: خواهش می‌كنم، وظيفه‌ام است.

تصويرساز: سام سلماسی